یک روز برای توجه

روزانه صدها کودک در غزه، لبنان، ف

زیر بمباران یا بر اثر جنگ و سوءتغ

زهرا احمدزاده
خبرنگار چاردیواری

یک‌روز که تلویزیون از صبح تا شب برنامه کودک پخش می‌کرد: این واضح‌ترین خاطره‌ای است که من از برگزاری روز جهانی کودک در خاطرات دوران کودکی خود دارم. روزی که با تغییر خاص در برنامه‌های تلویزیون آن‌هم در دهه ۷۰ که هنوز شبکه پویای تلویزیون متولد نشده بود و برایمان عجیب بود

بچه‌ها؛ شیرینی زندگی

بچه‌ها لبخندشان به زیبایی زندگی است. انگار دلت می‌خواهد همه زندگی‌ات را بدهی تا صدای شیرین خنده آنها را بشنوی. بچه‌ها شیرینی زندگی هستند و وجودشان به‌راستی می‌تواند زندگی زوج‌ها را گرما ببخشد و محبت را در کانون خانواده به‌مراتب بیشتر کند. به‌همین خاطر هم با ورود بچه‌ها به زندگی مشترک انگار حال‌وهوای خانه و خانواده حسابی فرق می‌کند و می‌توان حلاوت حضور بچه‌ها را در زندگی خانوادگی به روشنی دید و احساس کرد.

سیره پیامبر در رفتار با کودکان

در اسلام درباره کودکان سفارش فراوانی صورت گرفته است. هم‌چنان که رسول گرامی اسلام و ائمه هم در سیره خود نسبت به کودکان بسیار مهربان و خوش‌خلق بودند و برای بازی با بچه‌ها و شادکردن آن‌ها وقت می‌گذاشتند. رسول مکرم اسلام(ص) آن‌چنان نسبت به کودکان رئوف و مهربان بود که حتی در هنگامه نماز هم به بچه‌ها اولویت می‌دادند. آن‌چنان که روایت شده، پیامبر گرامی اسلام، نماز ظهر را با مردم به جماعت برگزار و دو رکعت آخر آن را به‌سرعت تمام کرد. پس از نماز، مردم گفتند: «یا رسول ا...! آیا در نماز حادثه‌ای رخ داد؟» حضرت فرمود: «چرا می‌پرسید؟» گفتند: «دو رکعت آخر نماز را با سرعت خواندید.» فرمود: «مگر صدای گریه و فریاد کودک را نشنیدید؟»

اهمیت محبت به کودکان

پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «به کودکان محبت بورزید و به آنها ترحم کنید. وقتی به آنان وعده دادید، وفا کنید؛ زیرا آنها جز این‌که شما را روزی دهنده خود می‌بینند، تصور دیگری ندارند.» در سیره خود رسول اسلام هم چنین رویکردی بود. آن‌چنان‌که روزی پیامبر(ص) برای نماز به مسجد می‌رفت. در راه، گروهی از کودکان انصار بازی می‌کردند که تا آن حضرت را دیدند، دور او جمع شدند و به دامن او آویختند، به گمان این‌که چون آن حضرت همواره حسن و حسین(ع) را بر دوش خود می‌گرفت، این بار نیز آن‌ها را به دوش بگیرد. پیامبر از یک سو نمی‌خواست آنها را برنجاند و از سویی دیگر مردم در مسجد منتظرش بودند و می‌خواست خود را به مسجد برساند. در این حال، بلال حبشی از مسجد بیرون آمد و به جست‌وجوی پیامبر پرداخت. پس از مدتی، آن حضرت را کنار گروهی از کودکان یافت و جریان را فهمید. خواست کودکان را تنبیه کند، ولی پیامبر او را از این کار نهی کرد و فرمود: «تنگ شدن وقت نماز، برای من بهتر از رنجاندن کودکان است.» آن‌گاه به بلال گفت «به خانه برو و آنچه از گردو یا خرما یافتی، بیاور تا خود را از این کودکان بازخرید کنم.» بلال رفت و پس از جست‌وجو، هشت دانه گردو یافت و آن را به حضور پیامبر آورد. پیامبر آنها را میان کودکان تقسیم کرد و بدین گونه کودکان راضی شدند آن حضرت را آزاد کنند.

بازی با کودکان

بازی با کودکان و وقت‌گذراندن با آنها از سفارشات اسلام است. بازی، افزون بر این‌که نشاط و شادابی را به کودک هدیه می‌کند، به رشد استعدادهای نهفته او نیز می‌انجامد. پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت(ع) با تأکید بسیار بر این موضوع، خود را در بازی فرزندانشان شرکت می‌دادند و با نظارت بر بازی آنها، آنان را بر این امر تشویق می‌کردند. روزی امام حسین(ع) در کوچه سرگرم بازی بود. پیامبر نیز به‌همراه یارانش از خانه خارج شدند. وقتی چشم پیامبر به امام حسین(ع) افتاد، به‌طرف او رفت و دستانش را گشود تا او را در آغوش بگیرد. امام حسین(ع) خنده‌کنان به‌این طرف و آن طرف می‌گریخت. پیامبر نیز خندان دنبال او می‌دوید تا این‌که سرانجام او را گرفت. پس دست زیر چانه اش گذاشت و او را بوسید.

عیب‌جویی از کودکان ممنوع

گفته‌اند روزی مردی در حضور پیامبر به‌خاطر کاری که فرزندش انجام داده بود، از او عیب‌جویی کرد.
پیامبر به او فرمود: «فرزندت، تیری از تیرهای تیردان توست.» مفهوم این سخن آن است که فرزندت پاره تن تو و ذخیره آینده توست. تو با اهانت به شخصیت او، هم به خودت ضربه می‌زنی و هم کسی را حقیر می‌کنی که مددکار و پشتیبان تو در آینده خواهد بود و هر کار نیکی که انجام دهد، تو نیز در پاداش آن، شریک خواهی بود.